

قدرت بیان لنین

معاصران لنین که نطق‌های او را شنیده‌اند یک‌دل و یک جهت نیرو و قدرت بیان او را خاطر نشان می‌سازند. ماکسیم گورکی درباره‌ی اظهارات لنین در پنجمین کنگره‌ی حزب گفته بود: «اولین بار می‌شنیدم که درباره‌ی پیچیده‌ترین مسائل سیاست می‌توان به این سادگی حرف زد». کلارا زتکین، انقلابی آلمانی، نظر خود را درباره‌ی گزارشی که لنین در سومین کنگره‌ی کمینترن ایراد نمود چنین بازگو کرد: «گزارش او نمونه‌ی بارزی از هنر متقاعد کردن است. نه کمترین نشانه‌ای از کلمات قصار. فقط قدرت افکار روشن و منطق و استدلال محکم و دنباله‌روی از خط مشخص. لنین در صدد خیره‌کردن و جلب‌کردن نیست. او تنها می‌خواهد متقاعد کند. آن‌گاه متقاعد می‌کند و با همین کار جلب می‌نماید.»

و اما قدرت لنین به مثابه‌ی یک ناطق در چیست؟ این مسئله‌ی دشواری است و پاسخ دادن قانع‌کننده به آن در یک مقاله ممکن نیست. به همین جهت فقط بعضی از جوانب مهارت و قدرت بیان لنین را بازگو می‌کنیم و اصول عمده‌ی تبلیغ حزبی و روشنگری را که لنین طرح و تنظیم و به‌طور درخشانی در عمل دنبال می‌کرد یادآور می‌شویم.

اعتقاد به حقانیت امری که تمام زندگی لنین به آن تعلق داشت: این همان چیزی است که در درجه‌ی اول او را در کسوت یک مبلغ معرفی می‌کرد. لنین پشت تربیون و سر میز، قلم به‌دست، همواره پرشور و شوق و پیگیر راه رهایی انسان زحمتکش و راه عدالت اجتماعی بود. یک‌بار دیگر هم به گفته‌های گورکی اشاره می‌کنیم که می‌گفت: «اراده به زندگی و نفرت شدید از پستی‌های آن که در وجود او نهفته بود مرا مفتون می‌ساخت. من از شور و اشتیاق جوانیِ او لذت می‌بردم.»

انقلاب شوروی راه دشوار و پرآزمونی داشت. در سال‌های نخست چنان لحظاتی وجود داشت که به نظر می‌رسید همه‌چیز دارد متلاشی می‌شود و ریزش می‌کند. ولی لنین هرگز، در هیچ شرایطی، خوش‌بینی‌اش را از دست نمی‌داد.

حکومت شوروی مخصوصاً در مراحل اولیه اشتباهات و خطاهای کمی نداشت. این موضوع هیچ تعجبی ندارد، زیرا کار نوین و بی‌سابقه‌ای تازه داشت شروع می‌شد. لنین این اشتباهات را اجتناب‌ناپذیر می‌دانست و

آن‌ها را فاجعه ارزیابی نمی‌کرد. این اشتباهات برای لنین در حکم آن نبود که دستاوردهای تاریخی زحمتکشان را بپوشانند.

البته خوش‌بینی لنین هیچ وجه اشتراکی با تظاهر به خوشیِ واهی نداشت. لنین کسانی که خود را در پس جمله‌پردازی‌های خودخواهانه پرده‌پوشی می‌کردند ریشخند می‌کرد.

حقیقت‌گویی دومین صفت مشخصه‌ی لنین در کسوت یک مبلغ بود. لنین می‌گفت: «وضوح تبلیغ شرط اصلی است. اگر مخالفین ما می‌گفتند و اذعان می‌کردند که ما در امر ترقی و توسعه دادن تبلیغات معجزه کرده‌ایم، این موضوع را نباید ظاهراً بدین‌شکل تلقی نمود که ما مبلغین زیادی داشتیم و کاغذ زیاد مصرف کردیم، بلکه باید بدین‌معنی بدانیم که حقیقتی که در این تبلیغ نهفته بود وارد مُدرکه‌ی همه‌ی مردم می‌شد. و از این حقیقت نمی‌توان دور شد.» لنین هر دروغ و فریبی را بزرگترین شر می‌دانست. یک جمله‌ی دروغین و یک لاف‌زنی کذب در حکم مرگ معنوی و اولین ضامن مرگ سیاسی است. لنین با برحذر داشتن از این نواقص نمونه و سرمشق مکالمه‌ی شرافتمندانه و مستقیم را با توده‌ها نشان می‌داد، هرگز از طرح مسائلِ حاد ابا نداشت، نقایص را محو و پرده‌پوشی نمی‌نمود، خطرات و اشکالات را کوچک جلوه نمی‌داد و نمی‌ترسید از اشتباهات و ضعف‌ها و خطاها صحبت کند. او می‌گفت باید حقیقت را برای توده‌ها به‌طور ساده و روشن و صریح بیان کرد، او همین کار را هم می‌کرد.

استعداد استدلال‌آوری از مختصات خاص همه‌ی اظهارات و نطق‌های لنین بود. لنین قضاوت‌های بدون دلیل را تحمل نمی‌کرد. لنین در ملاحظات خود راجع به تزه‌های پرئوبراژنسکی (که بعدها یکی از لیدرهای اقلیت تروتسکیستی شد) درباره‌ی روستاها چنین نوشته بود: «برداشت موضوع صحیح نیست. برداشت مضری است. همه از این جملات کلی دچار حالت تهوع می‌شوند. آن‌ها مولّد بوروکراسی هستند و آن را تشویق می‌کنند. به‌جای این‌کار به‌مراتب بهتر است که مأخذهای تجربه‌ی عملی لااقل یک شهرستان مورد استفاده قرار گیرند و عملاً، نه اینکه به‌طور آکادمیک، مورد بررسی قرار گیرند.»

خود لنین با اسلحه‌ی دلایل و استدلال‌ها پشت تریبون قرار می‌گرفت. لنین که اهمیت سرشاری برای استدلال به سود حقایق قائل بود، درعین‌حال استفاده از حقایق [= فاکت‌ها] و آمارهای پیش‌پاافتاده را در امور تبلیغ

غیرمجاز می‌دانست. بنا به قول او در زمینه‌ی پدیده‌های اجتماعی هیچ شیوه‌ای بدتر از به‌کارگیری حقایق پیش‌پاافتاده و بی‌اساس وجود ندارد.

استعداد صحبت کردن با ملت در کلیه‌ی نطق‌های لنین متجلی است، او با شناخت کاملی که از شرایط زندگی و کار قشرهای مختلفِ سکنه‌ی روسیه داشت، روش نزدیک شدن با هر گروه شنوندگان را پیدا می‌کرد و حادثه‌ترین مسائل آن‌ها را مطرح می‌نمود. مثلاً با کارگران به زبان دیگر و با معلمان به زبان دیگر حرف می‌زد. نطق‌های او برای دهقانان با نطق‌هایی برای کارکنان حزبی و اداری تفاوت داشت. طبیعی است که لنین خودش را تا سطح یک شنونده‌ی آماده‌نشده و مبتدی پایین نمی‌آورد و خودش را با او سازگار نمی‌کرد. او همواره خصوصیات محیط حضار و انتخاب موضوع و دلایل و انتخاب حقایق را مورد توجه قرار می‌داد.

قبل از ایراد نطق، لنین سعی می‌کرد اطلاعات بیشتری در خصوص شنوندگان و سطح آمادگی و علایق‌شان به دست بیاورد.

استعداد و نیروی لنین در کسوت یک ناطق در رفتار او با حضار نیز متجلی می‌گردید. برای او حضار و مستمعین، هم‌قطارانِ هم‌فکری هستند که باید و وظیفه دارند در درک واقعیت شرکت کنند. سبک حرف زدن او که لنین افکار خود را با شنوندگان در میان می‌گذاشت و آن‌ها را به درک فعال آنچه که می‌گفت وادار می‌نمود.

سیمای لنین در پشت تریبون تنوع زیادی دارد و مهارت و استادی او در کسوت یک مبلغ بسیار وسیع است. ما ضمن مراجعه به اظهارات و نطق‌های او برای مردم می‌بینیم که چه استعدادی در انتخاب مهم‌ترین و حادثه‌ترین موضوع و جلب توجه شنوندگان نسبت به آن داشت. لنین سرمشق و نمونه‌هایی از رسیدگی قطعی مسائل انقلاب و توانایی برخورد با آن‌ها از مواضع علمی به جهان ارائه نمود.

پاول شاریکوف

@W_I_Lenin